

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی

مینا کاویانی*

نجدادعلی الماسی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۳

DOI: 10.22096/law.2020.44792

چکیده

با افزایش استفاده از اینترنت، امکان نقض حق مؤلف در فضای مجازی توسط میلیون‌ها کاربر در سراسر جهان فراهم شده و دارنده این حق را با این پرسش مواجه کرده که در دعا علیه نقض کنندگان متعدد حق وی که در کشورهای مختلفی هستند چه دادگاهی صالح است؟ آیا قواعد سنتی تعیین صلاحیت در فضای مجازی قابل اعمال است، یا نیازمند قواعد جدیدی برای این حوزه هستیم؟ در این مقاله با مطالعه تطبیقی و تحلیلی مسئله فوق در چند سند بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ایران تلاش کرده‌ایم ضوابط تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض اینترنتی حق مؤلف را تعیین کنیم. با بررسی انواع صلاحیت‌های مطرح در این دعاوی، این نتیجه حاصل شد که در تمام دعاوی نقض اینترنتی حق مؤلف نمی‌توان به یک قاعده حل تعارض اکتفا نمود؛ بلکه اوضاع و احوال خاص هر دعوا در تعیین قاعده حل تعارض نقش اساسی دارد. در این دعاوی گرچه اصولاً دادگاه اقامتگاه خواننده صلاحیت عام دارد، ولی در برخی موارد خواهان به موجب مقررات و کنوانسیون‌ها حق انتخاب دادگاه صالح را از بین دو یا

* دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. «نویسنده مسئول» Email: mina.kavyanii@gmail.com

** استاد بازنشسته دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: nalmasi@ut.ac.ir



چند دادگاه دارد (صلاحیت خاص)؛ و گاه ممکن است دادگاه صالح به توافق طرفین تعیین شود (صلاحیت توافقی)؛ و در برخی موارد دعاوی نقض حق مؤلف در محیط مجازی به موجب قواعد آمره صرفاً در دادگاه خاصی قابل طرح است (صلاحیت انحصاری).
واژگان کلیدی: تعارض قوانین؛ حق مؤلف؛ دادگاه صالح؛ نقض حق؛ فضای مجازی.



مقدمه

نقض حق مؤلف در فضای مجازی مسئله‌ای است که حقوق بین‌الملل خصوصی سنتی را در خصوص دادگاه صالح با چالشی اساسی مواجه کرده است؛ زیرا صرف یک عمل مانند بارگذاری اثری در اینترنت سبب تأثیرگذاری در بسیاری از کشورها خواهد شد و افراد در هر جای دنیا می‌توانند آن را در حافظه کامپیوتر خود ذخیره نمایند و در این موارد معلوم نمی‌شود چه قاعده حل تعارضی باید در قضیه اجرا شود؛ با توجه به اینکه دادگاه کدام کشور را صالح به رسیدگی به این دعاوی بدانیم، نتیجه تعارض قوانین متفاوت بوده و قانون صلاحیت‌دار تغییر خواهد کرد؛ زیرا در حقوق بین‌الملل خصوصی ابتدا به مسئله صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده پرداخته می‌شود و سپس موضوع صلاحیت قانون داخلی یا خارجی مورد بحث قرار می‌گیرد. (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۴: ۱۱۲) از آنجا که موضوعات راجع به مالکیت ادبی و هنری بیش از سایر حقوق مالکیت فکری امکان نقض از طریق اینترنت و سایر رسانه‌ها را دارد، بنابراین در میان دارندگان حقوق مالکیت فکری، پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری نیاز بیشتری به قوانین حمایت کننده در فضای مجازی دارند.

علت محدود کردن موضوع مقاله به تعیین دادگاه صالح بر نقض حق مؤلف و حقوق مرتبط در فضای مجازی این است که: اولاً، میزان نقض حق مؤلف در فضای مجازی بیش از سایر حقوق مالکیت فکری است؛ دوم اینکه، در این مقاله فرض بر این است که نقض حق، محرز و ناقض حق شناسایی شده است، لذا از شیوه‌های تشخیص نقض حق یا شناسایی ناقض حق مؤلف در فضای مجازی بحثی نمی‌شود؛ سوم اینکه، در این مقاله صرفاً به معیار تعیین دادگاه صالح در دعاوی حقوقی یا مدنی پرداخته می‌شود نه دعاوی کیفری.

این مقاله به بررسی معیارهای تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی با مطالعه تطبیقی کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط از جمله مقررات بروکسل دو^۱ (مصوب ۲۰۰۱)، کنوانسیون پیشنهادی لاهه در مورد صلاحیت و شناسایی آرای محاکم

1. Brussels II Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (2001).

قضایی خارجی در موضوعات مالکیت فکری^۱ (تهیه شده در ۲۰۰۱)، کنوانسیون موافقت‌نامه انتخاب دادگاه موسوم به معاهده انتخاب دادگاه (مصوب ۲۰۰۵)^۲ و حقوق ایران می‌پردازد؛ لذا روش انجام این مقاله تحلیلی و تطبیقی است. بر این اساس، مقاله حاضر در چهار بخش ارائه می‌شود و به ترتیب به صلاحیت قضایی عام، صلاحیت قضایی خاص، صلاحیت قضایی انتخابی و صلاحیت قضایی انحصاری در دعاوی نقض اینترنتی حق مؤلف پرداخته و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادهای مؤلف در خصوص موضوع مقاله بیان می‌شود.

۱- صلاحیت قضایی عام (مبتنی بر اقامتگاه خواننده)

در بین عوامل ارتباط مختلف که در سیستم‌های حقوقی مختلف مورد توجه قرار گرفته است، اقامتگاه خواننده (Domicile of Responden) مهم‌ترین مبنای احراز صلاحیت دادگاه‌ها نه تنها در حقوق داخلی بلکه در تعیین صلاحیت بین‌المللی است و می‌توان آن را یکی از قواعد مقبول جهانی و تغییرناپذیر دانست.^۳

در حقوق کامن‌لا، در صورتی که نقض حق مؤلف جرم تلقی نشود و شبه‌جرم باشد، دادگاه محل اقامت خواننده صالح به رسیدگی است؛ مثلاً در یکی از قضایای یک فرد تبعه انگلستان در دادگاه بریتانیا علیه یک شخص فرانسوی که در فرانسه در ویلاگ خود سخنی از خواهان را به خود نسبت داده بود، دعوایی مطرح کرد که دادگاه اعلام داشته بود: «دعوا باید در دادگاه کشوری که ویلاگ‌نویس در آن قرار دارد و جایی که اقدامات منجر به ضرر در آن واقع شده است اقامه شود.»^۴

در حقوق ایران نیز به موجب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان باید دعوا را در دادگاهی اقامه نماید که خواننده در حوزه قضایی آن اقامتگاه دارد؛ همچنین مقررات بروکسل با بیان یک اصل کلی در ماده ۲ خود معیار تعیین صلاحیت را دادگاه کشور محل اقامت خواننده

1. Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgment in Intellectual Property Matters (2001).

2. Hague Convention on Choice of Court Agreement June 30, 2005.

۳. قاعده مزبور به لاتین «Actor Sequitur forum rei» و به این معناست که خواهان باید دعوی خود را در دادگاه محل اقامت خواننده مطرح نماید.

4. See: ECJ, Case C-68/93 Shevill [1995] ECR I-415, para. 24.

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۳۱

می‌داند. بنابراین اگر نقض کننده حق مؤلف در کشور الف مقیم باشد، دادگاه آن کشور صالح به رسیدگی است. صلاحیت مقرر در این اصل کلی با توجه به مواد بعدی یعنی مواد ۵ تا ۱۸ مقررات مذکور تکمیل می‌شود که از این میان، بندهای ۱ و ۳ ماده ۵ و بند ۴ ماده ۱۶ به دعاوی بین‌المللی حق مؤلف در فضای مجازی ارتباط مستقیم دارد. در بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون پیشنهادی لاهه نیز به این اصل اشاره شده است، منتها بند مذکور، ملاک دعاوی بین‌المللی را اقامتگاه عادی و متفاوت اصحاب دعوا می‌داند. در این بخش اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی به ترتیب مطالعه می‌شود؛ در ضمن از آنجا که ممکن است خوانده اقامتگاه مشخص نداشته باشد، اجرای اصل در این فرض نیز بررسی می‌شود.

۱-۱- اجرای اصل نسبت به اشخاص حقیقی

اجرای دقیق اصل نسبت به اشخاص حقیقی مستلزم تعیین اقامتگاه خوانده است. ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی، اقامتگاه شخص حقیقی را محلی می‌داند که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد و اگر محل سکونت شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز مهم امور او را اقامتگاه می‌داند. اما مقررات بروکسل تعریف واحدی از مفهوم (اقامتگاه) در مورد اشخاص حقیقی ارائه نداده و تعریف آن را به مقررات ملی کشورها تفویض کرده است.

لازم به ذکر است تغییر اقامتگاه خوانده و یا تغییر در حوزه قضایی در جریان دادرسی، تأثیری در صلاحیت دادگاه محلی که خوانده در زمان اقامه دعوا در آن مقیم بوده، نخواهد داشت. در حقیقت مناط صلاحیت، تاریخ تقدیم دادخواست است، مگر در موردی که خلاف آن مقرر شده باشد. (ماده ۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی) این موضوع در ماده ۳ کنوانسیون پیشنهادی لاهه نیز مورد اشاره واقع شده است و خواهان می‌تواند علیه خوانده در دادگاه اقامتگاه معمولی‌اش طرح دعوا کند. (Dreyfuss, 2002: 105)

۱-۲- اجرای اصل نسبت به اشخاص حقوقی

اجرای اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده نسبت به اشخاص حقوقی نیز مستلزم تعیین محل اقامت خوانده است. به موجب ماده ۱۰۰۲ قانونی مدنی: «اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.» اما ماده ۵۹۰ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اقامتگاه شخص

حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است.» تعدادی از حقوق‌دانان قائل به تعارض این دو ماده و منسوخ بودن نص اخیر هستند (نصیری، ۱۳۸۳: ۱۳۴) و برخی قانون تجارت را ناظر به اقامتگاه اداری و قانون مدنی را ناظر به اقامتگاه مدنی می‌دانند. (امامی، ۱۳۵۱: ۲۶۱) اما منظور از مرکز عملیات، همان مرکز مهم امور شخص حقوقی است. منظور از کلمه «اداره شخص حقوقی» مذکور در ماده ۵۹۰ قانون تجارت نیز مرکز مهم امور شخص حقوقی است. (Principal place of Business) بنابراین نظر که قابل دفاع است، تعارضی بین مواد مزبور وجود ندارد و اقامتگاه شرکت در هر حال مرکز اصلی آن است. (ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی)

طبق قاعده عمومی مقرر در ماده ۳ کنوانسیون پیشنهادی لاهه، اقامتگاه معمول اشخاص حقوقی می‌تواند شامل کشور مقر قانونی آن شخص حقوقی، کشور محل تشکیل قانونی آن شخص، کشور محل اداره مرکزی آن شخص و یا کشور محل تجارت خانه اصلی آن شخص حقوقی باشد. به موجب بند ۱ ماده ۲ مقررات بروکسل، مطابق قواعد عمومی، اشخاص مقیم در یک کشور عضو صرف‌نظر از تابعیتشان باید در محاکم دولت عضو به دادرسی فراخوانده شوند (اصل اقامه دعوا در محل اقامت خوانده) و بنابر بند ۱ ماده ۶۰ این مقررات، این گونه فرض می‌شود که اقامتگاه اشخاص حقوقی و شرکت‌ها، مقر قانونی آن‌ها، اداره مرکزی یا مرکز عمده تجارت آن‌ها خواهد بود. ماده ۶۰ مقررات بروکسل به تعریف اقامتگاه اشخاص حقوقی پرداخته و جایی که محل تصمیم‌گیری، مرکز مدیریت و یا مکان اصلی تجارت در آنجا باشد، محل اقامتش را هم در آن مفروض دانسته است و موردی که خواهان مقیم کشورهای اتحادیه اروپا نباشد را از موضوع کنوانسیون خارج می‌داند.

۱-۳- اجرای اصل نسبت به اشخاص فاقد اقامتگاه مشخص

ممکن است اقامتگاه خوانده مشخص نباشد و یا خواهان نتواند آن را تعیین کند. در این صورت به موجب ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی، دعوا باید در دادگاه محل سکونت موقت خوانده اقامه شود و اگر محل سکونت موقت هم نداشته باشد، دعوا در دادگاهی اقامه می‌شود که در حوزه آن مال غیرمنقول دارد و اگر مال غیرمنقول هم نداشته باشد، خواهان در دادگاه

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۳۳

محل اقامت خود، اقامه دعوا خواهد کرد. این ماده بر این مبنا صراحت دارد که محاکم ایران در تمام مواردی که مورد مراجعه مدعی حق قرار می‌گیرند، همواره صالح هستند حتی اگر خواننده، خارجی و مقیم خارج بوده و تعهد نیز در خارج به وجود آمده باشد. البته مراجعه به محاکم ایران علیه ایرانیان مقیم خارج و یا خارجیان در صورتی به مصلحت خواهان است که خواننده در ایران اموالی داشته باشد که امکان اجرای حکم از محل آن فراهم باشد. در غیر این صورت حکم محاکم ایران باید در کشور خارجی اجرا شود که ممکن است با مشکلاتی روبه‌رو شود. (شمس، ۱۳۸۵: ۴۰۰)

شیوه تنظیم مقررات ماده ۱۱ قانون مذکور هماهنگ با مقررات اکثر کشورها در گسترش صلاحیت محاکم ملی است؛ برای نمونه، به موجب ماده ۱۴۰ قانون مدنی فرانسه^۱، هر شخصی حتی اگر مقیم فرانسه نباشد می‌تواند به سبب تعهداتی که در فرانسه مقابل شخص فرانسوی بر عهده گرفته است در دادگاه‌های فرانسه خوانده شود. شخص خارجی همچنین می‌تواند به سبب تعهداتی که در خارج مقابل شخص فرانسوی بر عهده گرفته در دادگاه‌های فرانسه خوانده شود.

۲- صلاحیت قضایی خاص (مبتنی بر موضوع)

بر اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده استثنائاتی وارد شده است که گرچه گوناگون‌اند، اما می‌توان آن‌ها را در دو دسته کلی طبقه‌بندی نمود: دسته نخست، مواردی را شامل می‌شود که قانونگذار دادگاه مشخصی را غیر از دادگاه محل اقامت خواننده، به‌عنوان مرجع صالح اعلام نموده است؛ و دسته دوم، شامل مواردی است که مقنن به خواهان حق می‌دهد که از بین دو یا چند دادگاه یکی را به‌عنوان مرجع صالح انتخاب نماید که در این بخش این استثنائات به ترتیب بررسی می‌شود.

۲-۱- دادگاه صالح در فرض دعاوی غیر قراردادی که بر دادگاه صالح توافق نشده باشد

طبق بند ۳ ماده ۵ مقررات بروکسل، دعاوی بین‌المللی نقض حق مؤلف در محیط مجازی نیز ممکن است تابع قواعد صلاحیت خاص شوند که طبق آن اشخاص مقیم در یک کشور عضو

1. See: <http://galica.bnf.fr/ark:/12148/bpt6k1061517>.

باید در محاکم کشوری که در آنجا حادثه زیان بار رخ داده^۱ است یا ممکن است اتفاق افتد^۲، به دادرسی فراخوانده شوند. بر طبق مقررات مزبور این محاکم صلاحیت خاص برای رسیدگی به دعوی ناشی از ضرر یا مسئولیت مدنی را دارند. این صلاحیت خاص، بازتاب این اصل حقوقی است که اشخاص ضرر دیده از یک حادثه زیان بار را نباید وادار کرد در محل اقامتگاه خوانده اقامه دعوا کنند؛ زیرا ممکن است اقامتگاه خوانده خارج از محل ورود خسارت باشد، همان گونه که در بیشتر دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی این گونه است. بنابراین در این حالت برای خواهان حق انتخاب محل اقامه دعوا وجود دارد و انتخاب دادگاه صالح به صلاحدید او واگذار خواهد شد. (اسلواکوا، ۱۳۸۹: ۱۵۹)

بند ۳ ماده ۵ این مقررات، توسط دادگاه اروپایی در جریان پرونده های مختلف به این گونه تفسیر شده است که اگر از ناحیه تخلف خوانده در چندین کشور به خواهان آسیب وارد شده باشد و کشور محل طرح دعوا کشور محل اقامت خوانده نیز باشد، دادگاه می تواند در مورد تمام خسارات وارده حتا در کشورهای دیگر رسیدگی و رأی صادر نماید؛ در حالی که اگر کشور مذکور، کشور محل اقامت خوانده نباشد صرفاً می تواند در مورد همان خساراتی که در این کشور به خواهان وارد شده رسیدگی و رأی صادر نماید؛^۳ مثلاً اگر حقوق کپی رایت یک شرکت آلمانی توسط سایتی هلندی نقض شود و این امر موجب ورود خساراتی در کشورهای هلند، آلمان و بلژیک به شرکت مذکور شود و آن شرکت بخواهد از حقوق خود دفاع نماید، می تواند در هر یک از این سه کشور محل ورود خسارت طرح دعوا نماید؛ اما اگر در کشور هلند طرح دعوا کند محاکم این کشور به مسئله ورود خسارات در دو کشور آلمان و بلژیک هم رسیدگی می کنند، ولی اگر دعوا در بلژیک طرح شود محاکم این کشور فقط به دعوی مربوط به خسارات وارده در بلژیک می توانند رسیدگی کنند.

در بند یک ماده ۱۰ کنوانسیون پیشنهادی لاهه نیز مقرر شده است که، در فرض عدم وجود قرارداد معتبر، یکی از دو دادگاه کشوری که فعل یا ترک فعل موجب ضرر در آن رخ داده باشد،

1. *delict.*

2. *quasi-delict.*

3. See: *Boosey & Hawkes Music Publishers, Ltd. v. Walt Disney Co. Random House, Inc. v. Rosetta Books LLC*, 150 F. Supp. 2d 613 (S.D.N.Y. 2001).

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۳۵

یعنی دادگاه کشور منشأ زیان یا دادگاه کشور محل ورود خسارت صالح به رسیدگی هستند؛ لذا این کنوانسیون به صاحب حق مؤلف اختیار می‌دهد که در دعاوی مدنی خود یکی از این دو دادگاه را برای احقاق حق انتخاب کند؛ البته این اختیار در صورتی است که نظام حقوقی این دو کشور، حق مؤلف در فضای مجازی را مورد حمایت قرار داده باشند وگرنه خسارت تنها در دادگاه کشوری قابل مطالبه است که حق مزبور را حمایت می‌کند.

اشکال اعمال معیار مکان وقوع خسارت یا انجام فعل ناقضانه در فضای مجازی این است که احراز محلی که خسارت در آن ایجاد شده دشوار است و می‌تواند سبب بروز اختلاف صلاحیتی میان محاکم کشورهای مختلف شود. برای حل این مشکل دو رایج ارائه شده است: راهکار اول، که در رأی یکی از محاکم آمریکایی مورد استناد قرار گرفت این است که، برای تشخیص محل وقوع خسارت و به تبع آن تعیین دادگاه محل وقوع خسارت باید دید عمل زیان‌بار آیا محل خاصی را هدف قرار داده است یا خیر؛ به تعبیر دیگر آیا وبسایت خواننده با حوزه قضایی دادگاه ارتباط کافی و مؤثر دارد یا خیر. در این صورت دادگاه محل هدف، صالح به رسیدگی است. (Rice, 2002: 12) ایراد این راهکار این است که تشخیص هدف ناقض حق در بسیاری از موارد دشوار و غیرممکن است. وانگهی گاه هدف واقعی ناقض حق با آنچه رخ داده در تعارض است؛ مثلاً ناقض حق با هدف انتشار غیرمجاز یک حق مؤلف می‌خواهد مطالب را به یک ایالت بفرستند اما آن را به ایالت دیگر می‌فرستند. این معیار معلوم نمی‌کند آیا باید قصد واقعی ناقض را در نظر گرفت یا آنچه در ظاهر رخ داده است.

راهکار دیگری که در انگلستان استفاده شده این است که، خواهان یعنی صاحب حق، دعاوی خود را هم علیه نقض‌کننده اصلی اقامه کند و هم علیه ارائه دهنده خدمات اینترنتی (ISPs)،^۱ یعنی شخصی که ناقض حق را در نقض حق یا ورود خسارت به خواهان یاری کرده است و اگر محل ورود خسارت دقیقاً مشخص نباشد، می‌تواند در دادگاه محل اقامتگاه یا تجارت‌خانه ارائه دهنده خدمات اینترنتی طرح دعوا نماید. (Chissick & Kelman, 2002: 119) اما این راهکار نیز مورد انتقاد برخی صاحب‌نظران قرار گرفته و به‌عنوان راهکار جایگزین این

1. Internet Services Providers.

تفسیر را پیشنهاد داده‌اند که مراد از دادگاه کشور محل ورود خسارت، دادگاه کشوری است که خواهان در آنجا طرح دعوا کرده است. (Driessen, 2001: 11)

در حقوق ایران در تعیین دادگاه صالح در دعاوی غیر قراردادی نقض اینترنتی حق مؤلف با توجه به خلأ قانونی باید براساس قوانین عام موجود به حل مسئله پرداخت. لذا به اصل کلی یعنی صلاحیت دادگاه اقامتگاه خواننده استناد می‌شود؛ زیرا این اصل کلی تنها زمانی استثنا می‌پذیرد که قانون بدان تصریح کند و چون چنین حکمی در قوانین ما نیست، لذا به اصل کلی مراجعه می‌شود. بنابراین از آنجا که حق مؤلف مال منقول محسوب می‌شود، دعاوی نقض این حقوق در فضای مجازی نیز منقول و خسارات ناشی از نقض نیز منقول به‌شمار می‌آیند و باید آن را در دادگاه اقامتگاه خواننده طرح کرد. متأسفانه این قاعده کلی آیین دادرسی در فضای دیجیتال که اولاً ممکن است هزاران خواننده در دعوا وجود داشته باشد و ثانیاً خواننده دعوا ممکن است در هر یک از کشورهای جهان مقیم باشد چندان کارآمد به نظر نمی‌رسد و در کنار دشواری‌های احراز نقض حق و تشخیص نقض‌کننده حق، مشکلات طرح دعوا در دادگاه اقامتگاه خواننده را باید برای صاحب حق مؤلف در نظر گرفت؛ همچنین این قاعده هزینه‌های غیراقتصادی بسیاری را بر خواهان بار می‌کند؛ زیرا او باید در دادگاه اقامتگاه خواننده طرح دعوا نماید و اگر خسارت در محل دیگری به وقوع پیوسته باشد، دادگاه صالح باید با اعطای نیابت قضایی دادگاه محل وقوع خسارت را نایب خود در احراز خسارت و میزان آن کند و سپس نتیجه حاصل شده به دادگاه صالح ارسال شود که این امر هزینه و وقت بسیاری از خواهان تلف می‌کند.

۲-۲- دادگاه صالح در فرض دعاوی قراردادی که بر دادگاه صالح توافق نشده باشد بیشتر قراردادهای حق مؤلف در مورد انتقال یا اجازه بهره‌برداری این‌گونه حقوق است. حال اگر در یک رابطه قراردادی با موضوع حقوق مالکیت ادبی و هنری، طرفین صرف‌نظر از منشأ دعاوی حق مؤلف با یکدیگر توافقی راجع به تعیین دادگاه صالح منعقد نکرده باشند اما اختلاف آنان ریشه قراردادی داشته باشد، این پرسش مطرح می‌شود که چه دادگاهی بر دعاوی ناشی از نقض این حقوق در فضای مجازی حاکم خواهد بود؟

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۳۷

از آنجا که حقوق‌دانان در این مورد که چه دعاوی‌ای با قرارداد ارتباط دارند و یا وقایع مرتبط با قرارداد به‌ویژه قراردادهای اینترنتی که با کمک ارائه دهندگان خدمات اینترنتی صورت می‌گیرد در چه حوزه قضایی رخ داده است، اتفاق نظر ندارند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۵۱) کنوانسیون پیشنهادی لاهه در ماده ۷ راه‌حلی برای این فرض شایع در نظر گرفته است. طبق بند ۱ این ماده، دعاوی اجرای قرارداد مربوط به حقوق حق مؤلف را می‌توان در دادگاه هر کشوری که حقوقش حاکم بر قرارداد است، اقامه کرد؛ برای نمونه، اگر قراردادی برای فروش اینترنتی یک آلبوم موسیقی در کشور فرانسه منعقد شده باشد، از آنجا که دعاوی مربوط به این قرارداد، احتمالاً در قانون فرانسه مطرح می‌شود، دادگاه‌های کشور فرانسه را می‌توان صالح به رسیدگی دانست. مزیت این قاعده آن است که دعوا را به دادگاهی که بهترین تخصص را برای حل و فصل دعوا دارد، ارجاع می‌دهد.

براساس بند ۱ ماده ۵ مقررات بروکسل در امور مرتبط با یک قرارداد، مکان اجرای تعهد متنازع‌فیه تعیین می‌کند که کدام دادگاه صالح است و اگر قرارداد متضمن تعهدهای مختلف باشد، دعوا باید در دادگاه کشوری اقامه شود که مبنای دعوا را تشکیل می‌دهد و اگر مبنای دعوا از چند تعهد تشکیل شده باشد معیار، تعهد اصلی قرارداد است. نقطه قوت معیار جایی که قرارداد باید در آن اجرا شود، سهولت دسترسی به آن است، چرا که قراردادهای حق مؤلف اینترنتی معمولاً برای یک منطقه جغرافیایی و برای یک دوره خاص زمانی اعطا می‌شود و به این جهت تشخیص محل اجرای آن معمولاً ساده است.

در نظام حقوقی ایران، فصل دوم پیش‌نویس قانون تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی ایران با تفکیک دعاوی تاجر با تاجر از دعاوی تاجر با مصرف‌کننده، به تعیین دادگاه صالح در فرض عدم توافق بر دادگاه صالح پرداخته است. در خصوص اختلافات ناشی از قراردادهای الکترونیکی «تاجر با تاجر» به‌موجب ماده ۳ این پیش‌نویس: «دادگاه محل تجارت خوانده صالح به رسیدگی است و در صورت تعدد محل تجارت، دادگاه محل تجارت اصلی ملاک خواهد بود. در صورت فقدان محل تجارت، دادگاه محل سکونت دائمی صالح خواهد بود.»

با وجود اینکه پیش‌نویس مذکور تقریباً به صورت تفصیلی به تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض اینترنتی پرداخته، اما تا زمانی که قانون مذکور به تصویب نرسیده، باید گفت حقوق ما فاقد قانونی خاص در زمینه صلاحیت قضایی بین‌المللی راجع به چنین قراردادهایی است؛ لذا باید به قانون آیین دادرسی مدنی رجوع نمود. ماده ۱۳ این قانون در فرض وجود قرارداد، صلاحیت تکمیلی مقرر داشته است و در دعاوی بازرگانی و دعاوی راجع به اموال منقول که از عقود و قراردادها ناشی شده باشد به خواهان اختیار داده علاوه بر دادگاه محل اقامت خوانده به دادگاه حوزه محل انعقاد عقد یا اجرای تعهد نیز رجوع کند. از آنجا که دعاوی نقض قراردادی حق مؤلف در فضای مجازی نیز اصولاً جزء دعاوی منقول محسوب می‌شود، لذا تابع حکم مقرر در ماده ۱۳ است؛ زیرا حق مؤلف یک مال منقول است و دعاوی راجع به آن نیز جزء اموال منقول تبعی به‌شمار می‌آید. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۷؛ صفایی، ۱۳۸۲: ۸۰)

۳- صلاحیت قضایی انتخابی

در خصوص نقض حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی، رویه سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی بیانگر اتخاذ رویکرد نوسازی یا تعریف مجدد قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی است. در این زمینه موافقت‌نامه انتخاب دادگاه گام مهمی در تقویت اصل حاکمیت اراده در خصوص پذیرش شرط گزینش دادگاه در قراردادهای بین‌المللی برداشته است. این معاهده، موافقت‌نامه‌های الکترونیکی انتخاب دادگاه را در صورتی که به ایجاد يك سابقه پایدار از آن برای مراجعات بعدی منجر شود، معتبر می‌داند. (ماده ۳) گرایش کلی نیز پذیرش اصل حاکمیت اراده در روابط قراردادی در سطح بین‌المللی به‌منظور پیش‌بینی پذیری صلاحیت و قانون حاکم بر قراردادهای بین‌المللی است؛ از سوی دیگر گاه به خواهان اجازه داده شده که نسبت به انتخاب دادگاه صالح اقدام نماید که در ادامه به مطالعه موارد مختلف صلاحیت انتخابی چه به انتخاب خواهان و چه با توافق طرفین پرداخته می‌شود.

۳-۱- انتخاب دادگاه صالح از سوی خواهان

در مواردی قانونگذار به خواهان اختیار داده از بین دو یا چند محل، دادگاه یکی از آنها را برای اقامه دعوا انتخاب نماید که در ادامه به بررسی این موارد می‌پردازیم.

الف- تعدد خواندگان (Multiple Defendants)

نمونه پیچیده نقض حق مؤلف در فضای اینترنت موردی است که بیش از یک کشور در خصوص رسیدگی به دعاوی نقض حق، صالح به رسیدگی باشند؛ و آن زمانی است که خواندگان دعوا متعدّدند و این سؤال مطرح می‌شود که دعوا باید در کدام دادگاه طرح شود؟ برای مثال، دو نفر که یکی مقیم ایران و دیگری مقیم آلمان هستند به کمک یک ارائه دهنده خدمات اینترنتی که مقیم هند است، حقوق صاحب یک اثر ادبی را در فضای الکترونیکی نقض می‌کنند. حال صاحب حق با شناسایی ناقصان حق می‌خواهد علیه آنان طرح دعاوی حقوقی کند. در این مورد آیا باید علیه هر خواننده در دادگاه اقامتگاه او طرح دعوا کرد و یا برای سهولت کار خواهان می‌توان دادگاه محل اقامت یکی از خواندگان را صالح در نظر گرفت؟

در حقوق ایران، به استناد ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی ایران چنانچه یک ادعا علیه چند خواننده باشد که در حوزه دادگاه‌های مختلف اقامت دارند، مدعی می‌تواند به دادگاه محل اقامت هریک از خواندگان مراجعه نماید. البته این مربوط به آن دسته از دعاوی است که مشمول قاعده عمومی صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده باشد. بند ۱ ماده ۶ مقررات بروکسل و ماده ۱۴ کنوانسیون پیشنهادی لاهه نیز به این موضوع اشاره نموده و مقرر داشته، در صورتی که خواننده (که مقیم یکی از کشورهای عضو است) یکی از خواندگان متعدّد باشد، وی را می‌توان در محل اقامت هریک از خواندگان دیگر مورد تعقیب قرار داد. (فاطمی نژاد، ۱۳۸۸: ۴۴) رویه قضایی دادگاه پنتت اروپا بیانگر این امر است که، خواهان زمانی می‌تواند از این اختیار استفاده کند که اقدامات موضوع دعوا به صورت متمرکز به وسیله خواندگان متعدّد انجام شده باشد و در مواردی که به صورت غیرمتمرکز و جدای از یکدیگر اقدامات مذکور انجام شده باشد، خواهان نمی‌تواند از این اختیار برخوردار باشد. (Basedow, 2010: 246)

ب- تعدد محل نقض حق

زمانی که خسارات وارد شده به صاحب حق، غیر قراردادی باشد و در کشورهای مختلف به وقوع بپیوندد، ممکن است به خواهان اختیار انتخاب دادگاه صالح از بین این چند محل داده شود. در دعاوی نقض حق مؤلف در محیط مجازی که معمولاً خواهان و خواننده در

کشورهای مختلفی قرار دارند اعطای این اختیار به خواهان او را در احقاق حق خود یاری می‌رساند. کنوانسیون پیشنهادی لاهه در بند ۴ ماده ۱۰ خود در این خصوص مقرر می‌دارد: «متضرر می‌تواند برای جبران خسارت در هریک از کشورهایی که خسارت به او وارد شده است طرح دعوا نماید و هریک از این محاکم فقط در مورد خسارت وارد شده در همان کشور صلاحیت رسیدگی دارند. اما اگر خواهان در یکی از کشورهای محل ورود خسارت دارای اقامتگاه معمولی نه موقتی باشد، دادگاه آن کشور صالح است تا علاوه بر خسارات وارد بر خواهان در آن کشور نسبت به سایر خسارات وارد در کشورهای دیگر نیز رسیدگی و رأی صادر کند.»

اما مقررات بروکسل در این فرض چنین حقی برای خواهان قرار نداده و خواهان باید در دادگاه هر کشور بابت همان میزان خسارات وارده طرح دعوا کند و دادگاه آن کشور تنها تا میزان خساراتی صالح به رسیدگی است که در آن کشور وارد شده است نه همه خسارات وارده در تمام کشورها. وجه افتراق دو کنوانسیون این است که برخلاف ماده ۷ مقررات بروکسل که با تکیه بر صلاحیت شخصی سعی کرده یک دادگاه را به عنوان تنها دادگاه صالح شناسایی و معرفی کند (دادگاه محل اقامت خواننده)، کنوانسیون پیشنهادی لاهه در ماده ۴ سعی کرده با حفظ حق انتخاب طرفین دعوا به‌ویژه خواهان در انتخاب مناسب‌ترین دادگاه، آزادی عمل آنان را محترم شمرده و رعایت نماید.

دیوان دادگستری اروپا نیز در یکی از آرای خود چنین استدلال کرد که محدود شدن صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت در محیط فیزیکی، قابل اعمال در محیط اینترنتی نیست؛ زیرا محیط اینترنتی محیطی جهانی و فاقد مرز است و در حکم یک سرزمین محسوب می‌شود. بنابراین باید از سرزمینی کردن خسارات خودداری کرد؛ چون سرزمینی کردن با اوصاف محیط فیزیکی سازگار و منطبق است. بنابراین اگر صاحب حق مؤلف در محیط دیجیتالی دچار زیان شود، دادگاه یکی از کشورهایی که خسارت در آن وارد شده است می‌تواند به کلیه خسارات حتا در کشورهای دیگر رسیدگی نماید و این از ویژگی‌های خاص این محیط است. (WIPO, 2001: 7)

همچنین به‌موجب بند ۳ ماده ۵ مقررات بروکسل اگر مکان نقض علاوه بر مکان وقوع نقض، مکانی نیز باشد که به وقوع حادثه منجر می‌شود، در این صورت خواهان محق است تا

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۴۱

از چندین حوزه قضایی یکی از آن‌ها را که به نظرش سودمندتر است انتخاب و در آنجا اقامه دعوا نماید. شیوه انتخاب دادگاه از بین چندین حوزه قضایی معمولاً شیوه «جستجوی مناسب‌ترین دادگاه» نامیده می‌شود که به اعتقاد دیوان دادگستری اروپا این بند بدین معناست که خواننده ممکن است به انتخاب خواهان در دادگاه محل وقوع خسارت یا دادگاه محل وقوع حادثه‌ای که منشأ خسارت یا منجر به خسارت شده است، مورد تعقیب قرار گیرد. به نظر می‌رسد در دعاوی نقض حق مؤلف، محل وقوع خسارت جایی است که تولیدات ناقص حق به بازار آن کالا ضربه بزند (Blumer, 2001: 30) و این محاکم تنها می‌توانند به جبران خساراتی رأی بدهند که در قلمرو سرزمین آنان وارد شده است؛ ولی در صورتی که دعاوی نقض در جایی اقامه شود که محل وقوع حادثه‌ای باشد که منشأ خسارت در آنجا است یا منجر به خسارت شده باشد دادگاه مزبور صلاحیت صدور حکم به جبران تمام خسارات را دارد.^۱

۳-۲- انتخاب دادگاه صالح با توافق طرفین

صلاحیت مبتنی بر توافق یا صلاحیت توافقی (Consent Jurisdiction) یکی از انواع صلاحیت بین‌المللی است که در حقوق ایران کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در دعاوی قراردادی هنگام رسیدگی به مسئله صلاحیت، نخستین سؤالی که برای دادگاه مطرح می‌شود این است که آیا طرفین قرارداد در توافق فی‌مابین بر شرط انتخاب مرجع رسیدگی از طریق نص ویژه تراضی کرده‌اند یا خیر؟ پس از آن بر حسب شرایط و اوضاع و احوال قضیه در موضوع صلاحیت تصمیم می‌گیرند که آیا برای رسیدگی به دعوی مطروحه واجد صلاحیت هستند یا خیر. کشورهای مختلف کم و بیش اصل حکومت اراده در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به اختلاف را پذیرفته‌اند؛ اگرچه درباره شرایط و آثار آن همچنان اختلاف نظر مشهود است. مقررات بروکسل نیز توافق بر دادگاه صالح را تحت عنوان صلاحیت قضایی انحصاری مورد پذیرش قرار داده است.

همچنین طبق ماده ۱ کنوانسیون موافقت‌نامه انتخاب دادگاه، در دعاوی بین‌المللی امکان انتخاب انحصاری دادگاه در موضوعات تجاری و مدنی در چارچوب دادگاه‌های یکی از دول

1. Shevill v. press – Alliance SA (1996) 3 All ER929, HL.

عضو کنوانسیون میسر شده است. بنابراین اگر در دعاوی بین‌المللی مرتبط با دادگاه‌های کشورهای دیگر شرط دادگاه صالح به نفع صلاحیت دادگاه‌های ایران محرز باشد دادگاه‌های خارجی باید به اعتبار صلاحیت انحصاری ایران از رسیدگی امتناع کنند حتا اگر در فقدان چنین توافقی صالح باشند. (سلجوقی، ۱۳۸۶: ۴۹۰) همین مقرر در ماده ۴ کنوانسیون پیشنهادی لاهه نیز اشاره شده و به طرفین اجازه می‌دهد تا به موجب قرارداد مستقل یا شرط ضمن قرارداد، دادگاه کشور خاصی را به‌عنوان دادگاه صالح به رسیدگی انتخاب نمایند و این توافق نه تنها میان طرفین لازم‌الاجرا است، بلکه جز در صورت توافق خلاف، دادگاه منتخب مکلف به رسیدگی است؛ همچنین اگر خواهان با وجود این توافق معتبر با خوانده، دعوا را در دادگاه دیگری اقامه کند، آن دادگاه باید از رسیدگی خودداری کند، هرچند صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به دعوا را داشته باشد.

در حقوق ایران قانون خاصی درباره اعتبار شرط گزینش دادگاه وجود ندارد. سابق بر این، در نظام قضایی ایران تراضی برای عدول از صلاحیت نسبی در ماده ۴۴ قانون آیین دادرسی مدنی سابق به‌صراحت پذیرفته شده بود، اما با حذف ماده ۴۴ و عدم ذکر چنین حکمی در قانون آیین دادرسی جدید این سؤال مطرح می‌شود که آیا طرفین می‌توانند با توافق دادگاه صالح را تعیین کنند؟ اکثر نویسندگان، مقررات صلاحیت محل را در زمان فعلی از قواعد آمره ندانسته و توافق برخلاف آن را معتبر می‌دانند؛ (شمس، ۱۳۸۵: ۴۱۹؛ مدنی، ۱۳۸۶: ۶۳۹) و در این مورد به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادی (ماده ۱۰ قانون مدنی) نیز استناد کرده‌اند؛ اما برخی دیگر معتقدند که اصل حاکمیت اراده طرفین در تعیین صلاحیت قضایی در حقوق ایران پذیرفته نشده و چنین توافقاتی را (به استناد ماده ۹۷۵ قانون مدنی) از مصادیق بارز مخالفت با نظم عمومی می‌دانند؛ (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۸۵۰) همچنین مقررات آیین دادرسی جدید نیز به‌گونه‌ای تدوین شده که امری بودن قواعد صلاحیت محلی را به ذهن تداعی می‌کند. ماده ۳۵۲ این قانون مقرر می‌دارد: «هرگاه دادگاه تجدیدنظر دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد.» در حال حاضر طرفین می‌توانند با اشکال دیگری و به‌صورت غیرمستقیم صلاحیت دادگاه را تغییر دهند و به صلاحیت دادگاه کشوری معین تراضی کنند؛ چنانکه طرفین قرارداد با

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۴۳

تعیین اقامتگاه انتخابی (Contractual domicile) به موجب ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی می‌تواند دادگاه کشوری معین را به‌عنوان دادگاه صالح در دعاوی ناشی از همان عقد یا قرارداد تعیین کنند. (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۳۳؛ نصیری، ۱۳۷۳: ۳۷۱)

۴- صلاحیت قضایی انحصاری

حقوق بین‌الملل خصوصی موضوعاتی را مشخص می‌سازد که در محدوده هر کشوری واقع شود قضایای راجع به آن موضوع در صلاحیت انحصاری دادگاه آن کشور خواهد بود. دولت‌ها در تعیین صلاحیت ارگان‌های قضایی خود به این واقعیت توجه دارند که نمی‌توانند محدودیت‌های حقوق بین‌الملل عمومی را نادیده بگیرند. عدم توجه به مقررات حقوق بین‌الملل عمومی، مسئولیت بین‌المللی دولت را برانگیخته و در مواردی موجب بی‌اعتباری و عدم نفوذ تصمیمات اتخاذی توسط محاکم ملی می‌شود؛ (مولایی، ۱۳۷۵: ۱۲۳) بنابراین کشورها مجبورند در مواردی که با حاکمیت سایر کشورها مرتبط است، دادگاه‌های خود را ذی‌صلاح معرفی نکنند و صلاحیت انحصاری دادگاه‌های خود را تخصیص نمانند. در دعاوی نقض اینترنتی حق مؤلف، صلاحیت انحصاری به موجب مقررات بین‌المللی ممکن است نسبت به دعاوی مصرف‌کننده، دعاوی اعتبار حق و حقوق خصوصی ناشی از جرم اعمال شود که در ادامه به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

۴-۱- دعاوی مصرف‌کننده

دعاوی مصرف‌کننده از جمله مواردی است که در بیشتر کنوانسیون‌ها و قوانین داخلی تحت صلاحیت انحصاری دادگاه خاصی قرار گرفته‌اند. در مقررات بروکسل دو، مبنای صلاحیت انحصاری از مواد ۱۵ تا ۱۷ بر اصل حُسن‌نیت و انصاف مبتنی است. صلاحیت مندرج در مواد مذکور کاملاً متمایز از صلاحیت عام و خاص است. (Dicey & Morris, 1993: 342) این مواد به اشخاص مقیم کشورهای عضو اتحادیه اروپا که با مصرف‌کنندگان مقیم در کشور دیگر اتحادیه، قرارداد منعقد می‌کنند حق صلاحیت قضایی اعطا نموده و میان مصرف‌کننده و تولیدکننده، در رجوع به محاکم تعادل ایجاد می‌کند. مصرف‌کننده باید در کشور محل اقامت خود اقامه دعوا کند و تولیدکننده نیز فقط در کشور محل اقامت مصرف‌کننده می‌تواند وی را

به دادرسی فرا خواند. بند ۱ ماده ۱۶ مقررات مذکور مقرر می‌دارد که مصرف‌کننده می‌تواند در دادگاه صالح محل اقامت خود و همچنین در دادگاه صالح محل اقامت تولیدکننده، اقامه دعوا کند. در بند ۲ این ماده نیز چنین آمده که تولیدکننده فقط می‌تواند در محاکم کشور محل اقامت مصرف‌کننده علیه او اقامه دعوا کند.

احکام استثنایی مذکور در ماده ۱۶ این مقررات منوط به وجود شرایطی است که در ماده ۱۵ آن آمده است. بر طبق بند (ج) ماده مذکور، قرارداد باید به طرفیت شخصی منعقد شده باشد که فعالیت‌های تجاری یا حرفه‌ای را در کشور اقامتگاه مصرف‌کننده صورت می‌دهد یا آنکه به هر وسیله این فعالیت‌ها را به سوی کشور مصرف‌کننده یا کشورهایی که کشور مذکور جزء آن‌ها است، جهت‌دهی کرده باشد. بدین ترتیب هرگاه یک مصرف‌کننده مقیم اتحادیه اروپا کتابی را از سایت آمازون خریداری کند همواره می‌تواند در دادگاه‌های اقامتگاه خود اقامه دعوا نماید و نیازی نیست برای اقامه دعوا به آمریکا برود، حتی اگر سایت آمازون در شرایط عمومی خود صلاحیت انحصاری دادگاه‌های اقامتگاه تاجر یا محلی دیگر را که به سود وی است پیش‌بینی کرده باشد. این امر مشروط بر آن است که سایت مذکور فعالیت‌ها و تبلیغات خود را متوجه کشور خریدار یا گروهی از کشورها نموده باشد که کشور اخیر یکی از آن‌ها است.

دیوان دادگستری اروپا در دعوی جوهان علیه بای مقرر کرد که به‌عنوان یک قاعده کلی هدف مواد ۱۵ تا ۱۷ مقررات بروکسل، حمایت از طرفی است که فرض می‌شود در معامله موقعیت ضعیفی دارد؛ طرفی که از انعقاد معامله هدف تجاری و مغایه‌ای دارد از قلمروی حمایت کنوانسیون خارج می‌شود، مگر آنکه هدف تجاری وی ناچیز و کم اهمیت باشد. (مافی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۴)

در حقوق ایران، فصل دوم پیش‌نویس قانون تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم در تعهدات ناشی از قراردادهای الکترونیکی، در اختلافات ناشی از قراردادهای الکترونیکی «تاجر با مصرف‌کننده» که از طریق وبسایت منعقد شده است در بند الف ماده ۴ تحت شرایطی به مصرف‌کننده اختیار طرح دعوا در دادگاه محل اقامت خود را داده است. اما در راستای حمایت از طرف مصرف‌کننده، طرف تاجر تنها در محل اقامت دائمی طرف مصرف‌کننده

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۴۵

می‌تواند وی را تحت تعقیب قرار دهد. تا زمانی که این پیش‌نویس به تصویب نرسیده باید به مقررات موجود رجوع نمود. در قانون تجارت الکترونیکی در مواد ۳۳ تا ۴۹ برخی قواعد حمایتی برای حفظ حقوق مصرف‌کننده در محیط الکترونیکی وضع شده است و به موجب آن نباید براساس سایر قوانین که حمایت ضعیف‌تری اعمال می‌کنند اجرای حقوق مصرف‌کننده متوقف شود؛ همچنین استفاده از شروط قراردادی، خلاف مقررات این قانون است و اعمال شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف‌کننده نیز فاقد اثر حقوقی دانسته شده است. (مواد ۴۵ و ۴۶) بنابراین در صورتی که در قانون منتخب، حمایت‌های کمتری از مصرف‌کننده نسبت به قانون ایران شود، امکان توافق خصوصی با شخص مصرف‌کننده در تعیین قانون حاکم غیر از قانون ایران بی‌اثر است. (السان، ۱۳۸۵: ۱۶۲)

۴-۲- دعاوی مربوط به اعتبار حق مؤلف

نظر به بعضی ملاحظات اقتصادی و سیاسی، کشورها ممکن است به این نتیجه برسند که دسته‌ای از قضایای حقوقی باید منحصراً به وسیله دادگاه‌های داخلی مورد حکم قرار گیرند. در مورد دعاوی نقض حق مؤلف، اعتبار آن حق می‌تواند به وسیله دعاوی متقابل یا به‌عنوان دفاع در پرونده نقض حق مطرح شود. پیروزی در دعاوی متقابل این نتیجه را در پی خواهد داشت که آن حق دیگر اعتبار نخواهد داشت و چنانچه در دفاع از پرونده نقض حق، بی‌اعتباری آن حق محقق شود، هیچ نقض حقی اتفاق نیفتاده بلکه خود حق بی‌اثر می‌شود. خواننده دعاوی نقض حقی که می‌خواهد مسئله بی‌اعتباری آن را مطرح کند می‌تواند به وسیله دعاوی متقابل ابطال و یا شکوائیه (دادخواست) بی‌اعتباری آن را مطرح نماید. دادگاه‌های رسیدگی کننده اصل را بر معتبر بودن آن حق ادعایی می‌دانند، مگر اینکه این دعاوی مطرح شود. هر دادگاهی که صلاحیت بین‌المللی برای بررسی ادعای نقض حق دارد همچنین صلاحیت رسیدگی و بررسی دعاوی تقابل ابطال یا دادخواست بی‌اعتباری را نیز دارد و همان‌طور که تشریح شد صلاحیت انحصاری دادگاه‌ها نه تنها راجع به تمام دعاوی نقض حق بلکه همچنین برای دعاوی متقابل ابطال یا دادخواست بی‌اعتباری نیز است. در ایران نیز دادگاه‌ها دعاوی مرتبط با اعتبار حق مؤلف را در صلاحیت محاکم ایران می‌دانند. بنابراین می‌توان با تفسیر دوجانبه از

این موضوع اظهار داشت که محاکم ایران نسبت به آن دسته از دعاوی که راجع به اختلافات ناشی از حق مؤلف خارجی باشد، خود را صالح به رسیدگی نمی‌دانند.

۴-۳- حقوق خصوصی ناشی از جرم

نقض حق مؤلف در بسیاری از موارد، جرم محسوب می‌شود. بنابراین دادگاهی باید صالح به رسیدگی باشد که نقض (جرم) در آن صورت گرفته است. مقررات مرتبط با شبه جرم در بند ۳ ماده ۵ مقررات بروکسل آورده شده: «شخصی که در یک کشور طرف قرارداد اقامت دارد ممکن است در یک کشور دیگر طرف قرارداد مورد تعقیب قرار گیرد... در موضوعات مربوط به شبه جرم... تعقیب قانونی در دادگاهی صورت می‌گیرد که حادثه زیانبار در حوزه آن به وقوع پیوسته است.» به نظر می‌رسد کشوری که دارنده حق از آن تقاضای حمایت کرده تنها مرجعی است که می‌تواند نسبت به اعتبار آن حق رأی دهد و در این خصوص صلاحیت انحصاری دارد و اگر دادگاه کشور دیگری غیر از کشوری که تقاضای حمایت از حق در آن صورت پذیرفته خود را صالح به رسیدگی بداند، در واقع در شئون مرتبط با حاکمیت آن دولت دخالت نموده است که موضوعاً از قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی خارج است. (رئیس، ۱۳۸۶: ۶۸)

نتیجه‌گیری

با مطالعه صلاحیت قضایی بین‌المللی در دعاوی نقض اینترنتی حق مؤلف به این نتیجه می‌رسیم که تلاش‌ها برای ایجاد يك کنوانسیون جامع دربارهٔ تعارض دادگاه‌ها و صلاحیت قضایی به دلیل اختلافات عمیق میان سیستم‌های حقوقی با شکست مواجه شده است. برخلاف داوری که تابع قوانین مدل و معاهدات بین‌المللی است، صلاحیت قضایی جز در حوزه‌های جغرافیایی خاص، همچنان تابع حقوق داخلی بوده و هر محکمه‌ای براساس اراده يك جانبه قانونگذار داخلی دربارهٔ صلاحیت خود اظهار نظر می‌نماید. با این وجود، صلاحیت مبتنی بر تراضی یا همان شرط صلاحیت بیش از سایر قواعد صلاحیت مورد وفاق سیستم‌های حقوقی مختلف بوده و تحولات روابط بین‌المللی و ضرورت ثبات و قابلیت پیش‌بینی در تجارت بین‌المللی، دولت‌ها را به سوی پذیرش بیش از پیش این مبنای صلاحیت

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۴۷

سوق داده است. کنوانسیون ۲۰۰۵ لاهه راجع به موافقت‌نامه انتخاب دادگاه محصول چنین تحولاتی بوده و بیانگر حداقل قاعده صلاحیت قضایی است که با اجماع کشورهای عضو در کنفرانس دائمی لاهه به تصویب رسیده است.

در حقوق داخلی ایران نیز قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها محصول اراده یک‌جانبه قانونگذار داخلی است و از همان قواعد داخلی صلاحیت مذکور در قانون آئین دادرسی مدنی تبعیت می‌کند. این قواعد نه تنها با ضرورت‌های بین‌المللی همگام نیست، بلکه حتا تنها مجوز قانونی شرط صلاحیت مندرج در قانون آئین دادرسی سابق در قانون جدید آئین دادرسی مدنی جایی ندارد. نظام حقوقی ایران با وجود حمایت از حق مؤلف در فضای مجازی و وجود قانون تجارت الکترونیکی هیچ حکمی در خصوص تعیین دادگاه صالح ندارد و مسئله تعیین قانون حاکم و دادگاه صالح که مهم‌ترین چالش در این حوزه است را تابع قوانین عمومی دانسته است. بنابراین، در این زمینه باید همان قواعد تعارض قوانین مندرج در قانون مدنی و قانون آئین دادرسی مدنی بر این فضا اعمال شود. در دعاوی قراردادی می‌توان به استناد ماده ۱۳ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه محل انعقاد عقد یا محل اجرای تعهد قراردادی را صالح به رسیدگی دانست و در دعاوی مسئولیت مدنی دادگاه اقامتگاه خوانده صالح است. این مواد بسیار کلی بوده و به‌رغم آنکه خلأ حقوقی ما را در خصوص موضوع بحث تا حدودی مرتفع می‌کند، اما با استانداردهای موجود در بسیاری از کشورها و اسناد مورد تطبیق ناسازگار بوده و نمی‌تواند به‌خوبی از صاحبان حقوق حق مؤلف حمایت کند. لذا پیشنهاد می‌شود تا مواد مخصوص و روشنی در باب تعیین دادگاه صالح رسیدگی به دعاوی در فضای مجازی مقرر شود و در این زمینه استفاده از تجربه حقوقی اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی موجود می‌تواند راهگشا باشد.

کتابنامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- اسلوواکوا، زوزانا (۱۳۸۹)، «دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعوی ناشی از نقض علامت تجاری اینترنتی در اتحادیه اروپا»، مترجم حسین کاویار و محسن صادقی، ماهنامه کانون، دوره ۲، شماره ۱۱۲، صص ۱۵۱-۱۷۱.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵)، «بررسی نحوه تعیین قانون حاکم بر قراردادهای الکترونیکی»، پژوهش حقوق و سیاست، دوره ۸، شماره ۱۹، صص ۱۳۹-۱۷۰.
- امامی، سید حسن (۱۳۵۱)، حقوق مدنی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، «شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی هنری»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۱۰، شماره ۴۵، صص ۹۷-۱۵۱.
- رئیسی، لیلا (۱۳۸۶)، «بررسی محاکم تخصصی حقوق مالکیت معنوی»، مجله علمی پژوهشی نامه مفید، دوره ۱۳، شماره ۶۴، صص ۹۷-۱۱۶.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۵)، آئین دادرسی مدنی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات دراک.
- شیخ الاسلامی، محسن (۱۳۸۴)، حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۲)، حقوق اشخاص و اموال، چاپ سوم، تهران: نشر میزان.
- فاطمی نژاد، سیدحسین (۱۳۸۸)، تعارض قوانین در عرصه حق اختراع، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، الزامات خارج از قرارداد، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
- مافی، همایون؛ سام محمدی و حسین کاویار (۱۳۹۰)، «دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۵، شماره ۷۴، صص ۱۶۱-۱۹۰.

تعیین دادگاه صالح در دعاوی نقض حق مؤلف در فضای مجازی / کاویانی و دیگران ۴۹

- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۸۹)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.

- مولایی، یوسف (۱۳۷۵)، «وابستگی متقابل حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی در مسئله صلاحیت»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۱، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۱۳۴.

- نصیری، محمد (۱۳۸۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ دهم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.

الف-۲: لاتین

- Basedow, Jurgen (2010). "Foundations of private international law in intellectual property", in Basedow, J; T. Kono & A. Metzger (Eds.), *Intellectual Property in the Global Arena*, Tubingen: Mohr Siebeck.
- Chissick, Michael & Alistair Kelman (2002). *Electronic Commerce, Law and Practice*, London: Sweet & Maxwell.
- Dreyfuss, Rochelle Cooper (2001). "A Alert to the Intellectual Property Bar: the Hague Judgements Convention", *University of Illinois Law Review*, Vol. 2001, Issue. 1, pp. 421-456.
- Fletcher, Ian (1993). *Dicey and Morris on the Conflict of Laws*, London: Sweet and Maxwell Ltd.
- Rice, Denis (2002). *Jurisdiction over E-commerce Disputes: Different Perspectives under American and European Law in 2002*, Berlin: International federation of computer law association.

ب- اسناد بین‌المللی

- Boosey & Hawkes Music Publishers, Ltd. v. Walt Disney Co., 145 F.3d 481 (2d Cir. 1998).
- Convention of 30 June 2005 on Choice of Court Agreements, Available online at: <https://www.hcch.net/en/instruments/conventions/full-text/?cid=98>.
- Council Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters, Available online at: <https://eurlex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=CELEX%3A32001R0044>.
- Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgment in Intellectual Property Matters, 2001, Available online at: https://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=12386.

- ECJ, Case 139/80 Blanckaert&Willems PVBA v. LuiseTrost [1981] ECR 819, para.9.
- ECJ, Case C-68/93 Shevill [1995] ECR I-415, para. 24.
- Random House, Inc. v. Rosetta Books LLC, 150 F. Supp. 2d 613 (S.D.N.Y. 2001).
- Shevill v.press – Alliance SA (1996), 3 All ER929, HL.
- The case no. [1995] ECR I—415.

ج- وبسایت‌های اینترنتی

- “WIPO Forum on Private International Law and Intellectual Property” (May23, 2017), https://www.wipo.int/meetings/en/details.jsp?meeting_id=4243.
- “Code civil Francais” (June 7, 2017), <https://www.legifrance.gouv.fr/affichCode.do?cidTexte=LEGITEXT000006070721>.
- “Patent Law and International Private Law on Both Sides of the Atlantic” (WIPO/PIL/01/3)
- https://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=12377.